



نقش خانواده و مدرسه در تعلیم و تربیت دانش آموزان

زهرا شکوری^۱، رقیه شرفی^۲

۱- کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی (آموزگار ابتدایی)

۲- کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی (آموزگار ابتدایی)

m.rahmatee77@gmail.com

چکیده

هدف از نوشتار حاضر، نگاهی بر نقش خانواده و مدرسه در تعلیم و تربیت فرزندان است. مقاله حاضر از نوع کتابخانه ای می باشد. در این مقاله به بررسی نقش خانواده و مدرسه در تربیت فرزندان پرداخته شده است. با مروری بر پژوهش های انجام گرفته به این حقیقت رسیده ایم که خانواده نخستین نهاد زندگی اجتماعی کودک است که در شکل گیری اندیشه های اجتماعی کودک نقش بسزایی دارد. نقش خانواده و مدرسه، در ابعاد مختلف تربیتی تأثیر آن بر اخلاق و رفتار، گفتار، عملکرد، ارتباطات و... برکسی پوشیده نیست. همکاری مناسب بین خانواده و مدرسه اثرات مهمی برای فعالیت های کودکان در محیط خانه و مدرسه دارد.

کلمات کلیدی: خانواده، مدرسه، آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت

۱- مقدمه

خانواده اولین کانون تربیت کودک و والدین اولین معماران شخصیت او هستند. چگونگی شکل گیری ارکان و پایه های شخصیت نسان به نحوه ی تربیت او در این دوران بستگی دارد. در این دوره به سبب حضور والدین و اطرافیان رفتار کودک تکوین می یابد. انسان بیشتر عادت زندگی خود را در دوران طفولیت کسب می کند و تقریباً در این دوران کیفیت سازگاری با محیط را فرا می گیرد (عطاران، ۱۳۸۲).

خانه و مدرسه به عنوان نهادهای اصلی و تاثیرگذار در زمینه آموزش و پرورش به حساب می آیند. هر یک از این دو نهاد مهم و مقدس نقش خاص و ویژه ای در تربیت فرزندان برعهده دارند. چنانچه بپذیریم که انسان یک موجود زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی است، ضروری می نماید که در ابعاد مختل رشد و توسعه یابد تا بتواند به انسان کامل مورد نظر دین مبین اسلام نزدیک شود. آن چه که معمول است، این است که دانش آموزان در مدرسه تعلیم و تربیت رسمی و در خانه بیشتر تعلیم و تربیت غیر رسمی را فرا می گیرند و هر اندازه آموزش و تربیت در این دو نهاد یکسان و همسو باشد، موجب خواهد شد یادگیری و تربیت آنان پایدارتر و مثمر تر باشد. بنابر این توجه به یکی از دو مقوله خانه و آموزش و پرورش و غفلت از دیگری خسارت های جبران ناپذیری را بر پیکره جامعه ایجاد خواهد نمود. ایجاد ارتباط بین این دو باعث خواهد شد در آینده شاهد انسان هایی متعادل، مؤمن، متعهد و رشد یافته باشیم (کاپانی، ۱۳۹۱).

در نظام جمهوری اسلامی ایران آموزش و پرورش و در رأس آن خانواده به عنوان نهادهایی پویا ارزشمند و گرانبها مسئولیت عظیم هدایت انسان ها به فلاح و رستگاری و حرکت آن ها به سوی خداگونگی را به عهده دارند. در این راستا رشد و شکوفایی استعداد های بالقوه فرزندان این مرز و بوم در تمامی ابعاد و آماده ساختن آن ها برای زندگی سعادت مند را هدف قرار داده تا



انسان تراز جمهوری اسلامی از نظر اعتقادی اخلاقی اجتماعی و اقتصادی را تربیت کرده و تحویل جامعه دهند. این نوع سبک زندگی تمدن ساز، می بایست متأثر از آموخته های دینی خود ما باشد که می توان در قالب حیات طیبه اسلامی آن را طرح کرد (سفیری و همکاران، ۱۳۹۲).

خانه و مدرسه در انجام وظایف تربیتی مکمل یکدیگرند خانه مدرسه ی اول فرزند و مدرسه، خانه دوم اوست و اگر این دو نهاد روش ها و برنامه های هماهنگ نداشته باشند، در روند رشد کودک اختلال به وجود می آید. دو نهاد خانه و مدرسه نقش اساسی در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان دارند. بین روش ها و منش های خانه و مدرسه باید همسویی و تشابه وجود داشته باشد و یکی از این دو کانون، کار دیگری را خنثی نکند، بلکه به عنوان دو جریان همدل و مکمل عمل کنند(زرهانی و تاجیک، ۱۳۸۹).

مدرسه مهم ترین نهاد اجتماعی، تربیتی، آموزشی و اصلی ترین رکن تعلیم و تربیت است که به منظور تربیت صحیح دانش آموزان در ابعاد دینی، اخلاقی، علمی، آموزشی، اجتماعی و کش استعدادها، هدایت و رشد متوازن روحی، معنوی و جسمانی آنان برابر ضوابط وزارت آموزش و پرورش تأسیس و اداره می شود. آغاز همکاری خانه و مدرسه در قالب انجمن به سال ۱۳۲۶ شمسی می رسد، در آن سال شورای عالی فرهنگ، تشکیل این انجمن ها را در همه آموزشگاه ها همراه با شرح وظایفشان تصویب کرد که در سال ۱۳۴۶ شمسی، انجمن اولیا و مربیان ایران تأسیس و به ثبت رسید. انجمن اولیا و مربیان می تواند کمک شایانی در تمام مسائل ومشکلات مدرسه اعم از آموزشی، بهداشتی، ورزشی، فرهنگی و پرورشی و حتی مالی به مدیر و معلمان مدرسه داشته باشد.

۲- نقش خانواده در تعلیم و تربیت

خانواده، کانونی مقدس است که در سایه پیوند زناشویی دو انسان از دو جنس مخالف پایه گذاری شده و با تولد فرزندان کامل تر می شود. به عقیده متفکران و اندیشمندان دینی، خانواده از نخستین نهادهایی است که برای پی ریزی و تجلی سبک زندگی اسلامی که مبتنی بر فطرت و حرکت است، به سوی فضیلت و کمال بنا شده و سهم بسیار ارزنده ای در بنای تمدن انسانی و پرورش نسل جدید، تأمین امنیت و آرامش روانی اعضا، برآورده ساختن نیازهای عاطفی افراد و تربیت مطلوب فرزندان دارد (شریف قریشی، ۱۳۶۲).

در بین تمامی نهادها، سازمان ها و مؤسسات اجتماعی، خانواده مهم ترین، ارزشمندترین و اثربخش ترین نقش ها را دارا می باشد. این نهاد طبیعی ترین واحد تولید و مثل و فراگیرترین واحد اجتماعی به شمار می رود، زیرا همه اعضای جامعه را در بر می گیرد و از آنجا که مولد نیروی انسانی و معبر سایر نهادهای اجتماعی است از ارکان عمده و نهادهای اصلی هر جامعه به شمار می رود (نوابی نژاد، ۱۳۸۰).

بدون تردید، اساس تشکیل خانواده مبتنی بر انس، تفاهم، محبت و مودت، همدلی و همکاری است و درگیری و تعارض، گزینه را برای تزلزل و برهم ریختن ارکان خانواده فراهم می کند و کانون پر مهر و عطوفت را به محیطی سرد تبدیل می کند. وجود تعارض بیش از حد در محیط، فرد را دچار تغییرات فیزیولوژیکی می کند و اگر مدت زیادی این تغییر در سیستم روی دهد، تعادل هورمونی ممکن است مختل شود. اگر برخورد درستی با تعارض نشود، آثار منفی آن بر جای بماند. تعارض ممکن است مانند سدی جلوی ارضا نیازها را بگیرد و موجب کاهش علاقه و انگیزه افراد شود و همچنین جلوی همکاری و کنترل مؤثر را بگیرد (کوروش نیا، ۱۳۸۵:۷۹) امام سجاد (ع) در مورد ضرورت مهرورزی به همسران چنین فرمودند: «حق همسرت آن است که بدانی خداوند عزوجل او را مایه ی سکون و همنشینی تو قرارداده است و باید بدانی که او نعمت خداوند برتوست. پس او را گرمی بدار و با او با رفق و مدارا برخورد نما و هر چند حق تو بر او بیشتر است. اما حق او بر تو این است که با او مهربانی کنی.» (حرارتی، ۱۳۶۳).



یکی از مشکلاتی که گاهی اوقات خانواده در پرورش فرزند با آن روبه رو می‌شود، نافرمانی و مخالفت فرزندان با خواسته های والدین شان میباشد که معمولاً در سنین بلوغ و نوجوانی رخ می‌دهد. این اختلافات به این دلیل است که فرزندان با افزایش سن، خواستار دگرگونی هایی هستند و در مقابل والدین اغلب تصویری از یک فرزند آرمانی در ذهن خود دارند و همواره فرزند خویش را با آرمان های خود مقایسه می‌کنند که این روند به تعارض ها و ناسازگاری ها بین والدین و فرزندان دامن می‌زند (سموعی، ۱۳۸۲).

دو رکن حسن الخلق و مقبولیت نقش اساسی پدر است، اگر پدر این نقش ها را درست ایفا کند، و از طرف دیگر مادر، در دو نقش همسر داری و فرزند پروری کوتاهی نکند، همبستگی افراد در حفظ خانواده شکل می‌گیرد. ناگفته نماند در خانواده هایی که والدین رفتار محبت آمیز باهم دارند، معمولاً کودکان نیز با رفتارهای اخلاقی مثبت، واحترام به دیگران و انگیزه پیشرفت رشد می‌یابند. نقش مادر در جایگاه رشد و نمو فرزندان و تربیت آنها و حفظ کانون گرم خانواده، باید از سوی همسر نیز قدر دانی شود. امام علی (ع) می‌فرماید: مؤمن، ظاهرش شاد و قلبش غمگین است دارای سعه صدر است، نفس خود را خوار نموده و از بلند پروازی و شهوت بیزار، غمش طولانی، همت بلند، بسیار ساکت، سپاسگزار، شکیب و غرق در اندیشه، کم بخل، خوش اخلاق، نرم خوست، نفسش از سنگ سخت تر و از برده رامتر (موسوی زاده، ۱۳۸۲).

در دیدگاه امام علی (ع) مدیر ارزنده کسی است که در عین صلابت و استواری مهربان و دوستدار مردم باشد. چنان که ایشان در موقع خشم، نگاه خشم آلودش دل ها را به تپش در می‌آورد اما برای پیر زن اشک می‌ریزد (همان).

۳- نقش مدرسه و معلمان در تعلیم و تربیت

وظیفه خطیر آموزش و پرورش در زمینه رشد شخصیتی اجتماعی و کفایت اقتصادی دانش آموزان مهم و قابل تأمل است. بخش عظیمی از تربیت فرزندان جامعه بر عهده دستگاه انسان ساز آموزش و پرورش است. در این زمینه کتاب ها و محتوای آن ها نقش مهمی دارند. تربیت و آموزش باعث می‌شود دانش آموزان با آگاهی نسبت به جوامع پیرامون سنت ها، آداب و رسوم، داشته های تاریخی و پنداشته ها سبک زندگی تمدن ساز خود را انتخاب کنند (سفیری و همکاران، ۱۳۹۲).

در نظام جمهوری اسلامی ایران آموزش و پرورش به عنوان نهادی پویا ارزشمند و گرانبها مسئولیت عظیم هدایت انسان ها به فلاح و رستگاری و حرکت آنها به سوی خداگونگی را به عهده دارد. در این راستا رشد و شکوفایی استعداد های بالقوه فرزندان این مرز و بوم در تمامی ابعاد و آماده ساختن آنها برای زندگی سعادت مند را هدف قرار داده تا انسان تراز جمهوری اسلامی از نظر اعتقادی اخلاقی اجتماعی و اقتصادی را تربیت کرده و تحویل جامعه دهد. این نوع سبک زندگی تمدن ساز، می‌بایست متأثر از آموخته های دینی خود ما باشد که می‌توان در قالب حیات طیبه اسلامی آن را طرح کرد (همان).

مدرسه مهم ترین نهاد اجتماعی، تربیتی، آموزشی و اصلی ترین رکن تعلیم و تربیت است که به منظور تربیت صحیح دانش آموزان در ابعاد دینی، اخلاقی، علمی، آموزشی، اجتماعی و کشف استعدادها، هدایت و رشد متوازن روحی، معنوی و جسمانی آنان برابر ضوابط وزارت آموزش و پرورش تأسیس و اداره می‌شود. آغاز همکاری خانه و مدرسه در قالب انجمن به سال ۱۳۲۶ شمسی می‌رسد، در آن سال شورای عالی فرهنگ، تشکیل این انجمن ها را در همه آموزشگاه ها همراه با شرح وظایفشان تصویب کرد که در سال ۱۳۴۶ شمسی، انجمن اولیا و مربیان ایران تأسیس و به ثبت رسید. انجمن اولیا و مربیان می‌تواند کمک شایانی در تمام مسائل و مشکلات مدرسه اعم از آموزشی، بهداشتی، ورزشی، فرهنگی و پرورشی و حتی مالی به مدیر و معلمان مدرسه داشته باشد. مقام معظم رهبری این پرسش را برای تعیین سبک زندگی مطرح کرده اند که " چرا فرهنگ کار جمعی در ایران ضعیف است؟" ریشه فراگیری کارهای جمعی در کشورمان باید در خانه و مدرسه شکل بگیرد.

انجمن اولیا و مربیان باعث میشود ارتباط خانواده ها با مدرسه بیشتر شود و همین ارتباط باعث می‌شود که والدین از فرزندان خود بیشتر جویا شوند. اگر والدین اطلاع از احوالات مدرسه بچه ها در درس خواندن، در آداب و رفتار و شرایط اجتماعی داشته باشند بهتر با بچه ارتباط برقرار میکنند و مشکلات را سریع تر رفع می‌کنند؛ اگر معلم ارزش های اجتماعی را در دانش آموز



نهادینه کند ولی خانواده تعامل نداشته باشد و این ارزش های اجتماعی را از مدرسه نیاموزد، قطعاً نمی شود گفت که دانش آموزانی با تعامل و سطح عالی تحویل جامعه خواهیم داد. تعامل باید دو سویه باشد، آن چیزی که برای معلم ها ارزش دارد، اینکه بازخورد آموزش های آن ها را خانواده بتوانند بپذیرند، اگر این چنین نباشد ناخودآگاه و تبعاً از لحاظ اجتماعی بالا نخواهد بود. تعیین سبک زندگی دانش آموزان در گرو تعامل دوسویه و تنگاتنگ اولیا و مربیان است که باعث نظم و انضباط اجتماعی و تبیین مسائل مورد نظر رهبر معظم انقلاب می شود.

۴- هماهنگی بین مدرسه و خانواده

شکی نیست که آموزش در خانه مکمل آموزش مدرسه ای به شمار می رود. و والدین بیشتر با فرزندان خود در امر یادگیری مشارکت می کنند. خانه و مدرسه در صورتی که در هویت بخشی به جوانان همسو با یکدیگر حرکت نکنند، محصول آنان هویت های دو گانه خواهد بود. فرزندان ما نیمی از ایام زندگی خود را در مدرسه و نیمی دیگر را در خانه سپری می کنند. در پرتو اهداف مشترک است که مدرسه و خانواده یکدیگر را بر می گزینند. بسیاری از مواردی که نقش خانواده یا مدرسه معرفی می شوند، هم در خانه و هم در مدرسه موضوعیت دارند. همچنین همسو بودن آموزش ها باعث می شود که کودک تعامل بیشتری با والدین و مربیان داشته باشد و این خود موجب تقویت انسجام خانوادگی و محبت بیشتر بین والدین و فرزندان آن ها می شود (بهرامی و همکاران، ۱۴۰۰).

کاربایی و اثربخشی دو نهاد خانواده و مدرسه در پیشگیری از آسیب های اجتماعی غیرقابل وصف است. مواردی نظیر بد اخلاقی، بد رفتاری، بی تفاوتی و عدم توجه به فرزندان در خانواده و مدرسه، منشأ بروز مشکلاتی خواهد شد که مدرسه، جامعه و خانواده نیز برای حل و جبران آن باید زحمات زیادی متقبل شوند. از آن جا که بیشتر انحرافات نوجوانان و جوانان ریشه در ناکامی های اولیه زندگی دارد، همه بزرگسالان باید این دوره را به خوبی مدیریت کنند تا از این طریق از ایجاد و رشد و گسترش آسیب های اجتماعی جلوگیری شود. نقش مدیران، معلمان، مشاوران و فرهنگیان در مدیریت بحران ها بسیار پررنگ و اثر گذار است و تمام اقشار زحمت کش فرهنگی باید دلسوزانه در خدمت کودکان و نوجوانان بوده و با وظیفه شناسی بیش از گذشته در مسیر رفع مشکلات احتمالی و بحران ها، آسیب ها و کجروی های اجتماعی و خدمت به قشر آینده ساز جامعه باشند (شیخ الاسلام، ۱۳۹۵).

۵- آثار تربیتی ارتباط خانه و مدرسه:

- ۱- ایجاد و تقویت روحیه تعامل در دانش آموز با حضور والدین
- ۲- فراهم شدن زمینه شناخت بیشتر از جنبه های شخصیتی و اجتماعی دانش آموز برای مدرسه
- ۳- بررسی میزان فعالیت ها و مشارکت دانش آموز در مدرسه توسط والدین
- ۴- نظارت بروضعیت تحصیلی، بهبود بخشیدن آن و جلوگیری از بروز شرایط کاهش عملکرد و پیشرفت تحصیلی
- ۵- شناخت والدین از تعاملات اجتماعی فرزندان
- ۶- جلوگیری از بروز انحرافات اخلاقی و اجتماعی
- ۷- ایجاد زمینه سلامت روانی دانش آموز و تعاملات اجتماعی
- ۸- ایجاد زمینه پیشرفت تحصیلی و بهبود عملکرد دانش آموزان
- ۹- اصلاح روش های تربیتی خانواده برای بهبود وضعیت روانی تحصیلی او
- ۱۰- کاهش مشکلات فراروی والدین در ارتباط با خانواده و فرزندان
- ۱۱- کمک به تصحیح ذهنیت های منفی و تخریبی دانش آموز نسبت به بزرگسالان و جامعه
- ۱۲- شناخت بهتر و بیشتر مدرسه از دانش آموز و وضعیت خانوادگی او



- ۱۳- تقویت خودباوری و اعتماد به نفس ضعیف این دانش آموزان
۱۴- حفظ و همسویی روش های تربیتی خانه و مدرسه و جلوگیری از تضاد و دوگانگی رفتاری در دانش آموزان

۶- نتیجه گیری

همکاری مناسب بین خانواده و مدرسه اثرات مهمی برای فعالیت های کودکان در محیط خانه و مدرسه دارد. ارتباط مناسب مدرسه و خانواده، موقعیتی برای معلمان به وجود می آورد تا تلاش بیشتری برای بهبود توانایی های کودکان و حل مشکلات آن ها در مدرسه و خانه داشته باشند.

تأثیر خانه از مدرسه باید به صورت اهتمام به افزایش میزان آگاهی از شرایط و بستر فرهنگی دانش آموز و در نظر گرفتن بازتاب آن بر رفتارهای کلاسی معلم باشد. آموزش مدرسه ای، به ویژه، باید فرهنگ خانواده را به عنوان یک عامل تأثیر گذار بر علاقه، انگیزه و کیفیت یاد گیری دانش آموز را به رسمیت بشناسد.

رابطه خانه و مدرسه تعاملی دوطرفه است. هر دو نهاد تربیتی باید به نقش خود عمل کنند تا تعلیم و تربیت ثمربخش شوند. وجود معلمان با صلاحیت در مدارس، خلاء وجود پدر و مادر را پر نمی کند و وجود والدین توانا و قابل نیز نمی تواند جای مدرسه را بگیرد. همکاری و هماهنگی این دو نهاد مهم در یک برنامه واحد و منسجم می تواند ثمربخش باشد. شکل گیری شخصیت و چگونگی رشد روانی کودکان بیش از همه در گرو عملکرد خانه و مدرسه است.

مراجع

۱. حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳) تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.
۲. سموعی، راحله (۱۳۸۲) بررسی نوع، میزان و علل پدیده گسست ارتباطی بین دانش آموزان دوره راهنمایی و اولیای آنها در شهر اصفهان، سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان.
۳. شریف فریسی، باقر؛ نظام تربیت اسلام؛ تهران: فجر، ۱۳۶۲.
۴. طباطبایی، محمدحسین؛ تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه محمدباقر موسوی همدانی؛ تهران: بنیاد علمی و فکری
۵. علامه طباطبایی، ۱۳۶۴.
۶. عطاران، محمد رضا (۱۳۸۲)، آراء مریبان بزرگ مسلمان در باره تربیت کودک، ابن سینا، غزالی و خواجه نصیرالدین طوسی، تهران: مدرسه.
۷. کاویانی، محمد؛ سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
۸. .
۹. موسوی زاده، سید محمد (۱۳۸۲)، بررسی ویژگی های شخصیتی مدیران در سیره ی علوی، همایش رفتار شناسی علوی در گستره مدیریت، تهران: دانشگاه شاهد.
۱۰. نوایی نژاد، شکوه (۱۳۸۰) سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان، تهران: انتشارات انجمن اولیاء مربیان.